

«زیتون انگشتی»، «آسمان سُر»، «حسّ گوشایی»:

مطالعه‌ای موردی از ابداعات واژگانی

(ص ۱-۱۶)

فاطمه ابراهیمی پارسا

کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبائی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۱

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۳/۲۳

چکیده

کودکان در روند فراگیری زبان مادری، وقتی برای مفهومی واژه‌ای یاد نگرفته‌اند یا واژه فراگرفته شده را به خاطر نمی‌آورند گاهی خودشان برای آن مفهوم واژه می‌سازند. مطالعه حاضر به بررسی مواردی چند از این واژه‌سازها در سنین پیش از دبستان می‌پردازد. داده‌های زبانی مورد مطالعه شامل شصت واژه تولید شده توسط دختری فارسی‌زبان است که از سن دو سال و شش ماهگی تا پنج سالگی او جمع‌آوری شده است. نوواژه‌های او واج‌نویسی شد و از نظر فرآیندهای ساخت‌واژی مورد بررسی قرار گرفت. واژه‌های او در مجموع با هفت فرآیند صرفی زبان فارسی ساخته شده‌اند. مقوله دستوری که بیشترین واژه‌ها برای آن ساخته شد صفت بود و پربسامدترین فرآیندی که در ساخت این شصت واژه استفاده شد ترکیب بود اما اولین فرآیندی که کودک از آن برای ساخت واژه‌های جدید استفاده کرد، اشتقاق با پسوند «-ی» بود. این مشاهده برخلاف یافته‌های کلارک است که به موجب آن، زایاترین فرآیند اولین فرآیندی است که کودک در ابداع واژه از آن بهره میبرد.

واژه‌های کلیدی: ابداعات واژگانی در کودکان، فراگیری فرآیندهای صرفی، فراگیری زبان اول، ترکیب و اشتقاق، روانشناسی زبان

۱. نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول: shirineparsa@gmail.com

۱- مقدمه

زمانی که کودک می‌خواهد ارتباط برقرار و درباره مفهومی صحبت کند از واژه‌هایی که آموخته است بهره می‌جوید. اگر برای مفهوم مورد نظر واژه‌ای فرا نگرفته باشد یا واژه فراگرفته شده را فراموش کرده باشد گاهی خودش واژه‌ای می‌سازد تا معنای مورد نظرش را منتقل کند. پژوهش حاضر از شصت واژه ابداع شده توسط دختری تک‌زبان به بهره میبرد که زبان مادریش فارسی است اما در فاصله یک تا دو سالگی در آمریکا زندگی کرده است. ذکر این مسئله بدان دلیل است که یکی از واژه‌های ساخته شده او در سن دو سال و شش ماهگی «*pend - e - lâv - e - bulu - torš*» بود که هر بار به حمام میرفت تمام شوینده‌های حمام را با آب مخلوط میکرد و هم میزد تا خوب کف کند و به آن عبارت بالا را اطلاق میکرد (رنگ این محلول تقریباً طوسی بود). اهمیت چنین بررسیهایی این است که بخشی از دانش ناخودآگاه فراگیران کوچک‌زبان را آشکار میکند.

بخش بعدی این مقاله به مطالعات انجام شده درباره مسئله فوق در جهان اختصاص یافته است؛ سپس داده‌ها و روش گردآوری آنها توضیح داده میشوند؛ پس از آن داده‌ها تحلیل شده و سپس به نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

۲- مطالعات انجام شده و چارچوب نظری

کلارک^۲ (۱۹۸۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «ابداعات واژگانی: چگونگی ساختن واژه جدید توسط کودک» عنوان کرده است که فرآیندهای زیای واژه‌سازی در زبان، اولین قوانین ساخت‌واژی هستند که کودک در ساخت واژه‌های ابداعی خود از آنها بهره می‌جوید و مسیری که کودکان در تولید صورتهای زبانی ابداعی خود طی میکنند مسیری قابل پیش‌بینی است و میتوان اصولی را برای ساخت واژه‌های جدید توسط کودکان ارائه داد.

کلارک و هچ^۳ (۱۹۸۲) از چهل و هشت کودک سه تا شش ساله خواستند برای انجام‌دهندگان کار و ابزارها اسم بسازند. آنها مشاهده کردند که کودکان خیلی کوچک برای این منظور گاهی پسوند *-er* را به کار می‌برند و گاهی از فرآیند ترکیب استفاده میکنند.

2. Clark

3. Hecht

کودکان بزرگتر غالباً از پسوند *-er* استفاده میکنند و کودکانی که از سایر همگروهها بزرگتر بودند همواره از پسوند *-er* استفاده میکردند.

بکر^۴ هم (۱۹۹۴) دویست و ده واژه ابداع شده توسط پسری آمریکایی را در سنین دو سال و چهار ماهگی تا پنج سالگی بررسی کرد و اذعان داشت یافته‌های او مؤید یافته‌های کلارک در کتاب *فراگیری واژگان*^۵ است. کلارک در این کتاب پنج اصل را معرفی میکند که در همه مراحل اکتساب واژگان (از جمله در واژه‌سازیهای نوین کودک) به کار گرفته میشوند. این پنج اصل عبارت است از: متعارف بودن^۶، تقابلی^۷، سادگی^۸، شفافیت^۹، و زیایی^{۱۰}.

او پس از معرفی این اصول مثالهایی را از واژه‌سازی کودکان در زبانهای مختلف دنیا می‌آورد و نشان میدهد که چگونه هریک از آنها حداقل از یکی از این پنج اصل پیروی کرده است.

اصل متعارف بودن: برای هر معنای مشخصی، صورتی وجود دارد که گویشوران زبان در جامعه زبانی آن را به کار می‌برند؛ یعنی اگر برای مفهوم مورد نظر آنها واژه‌ای متعارف وجود دارد آنان باید آن را به کار برند، در غیر این صورت معنای مورد نظر آنها منتقل نخواهد شد (کلارک [۱۹۹۸]، ۱۹۹۳: ۶۷). بنا به گفته سوسور: آنچه واژه‌ای را متعارف میکند این است که هر فردی از جامعه زبانی با فردی دیگر از همان جامعه برسر اینکه واژه‌ای مشخص به مفهومی مشخص دلالت میکند اتفاق نظر داشته باشد (همان، ۶۷ و ۶۸). این اصل در زبان بسیار حیاتی است زیرا اگر زبان وسیله ارتباط یک جامعه زبانی باشد باید اعضای آن جامعه زبانی بر سر معنای متعارف و قراردادی کلمات آن توافق داشته باشند.

4. Becker

5. The lexicon in acquisition

6. conventionality

7. contrast

8. simplicity

9. transparency

10. productivity

اصل تقابل: استفاده از کلمه‌ای متفاوت، بیانگر معنایی متفاوت است؛ یعنی گویشوران، هر تفاوتی در صورت را به معنای تفاوتی در معنا میدانند (همان، ۶۹)؛ برای مثال در فارسی دو کلمه «دور» و «شور» تنها در یک واج تفاوت دارند. این تفاوت صوری نشان‌دهنده آن است که این دو واژه به دو مفهوم متفاوت دلالت میکنند. کلارک دو اصل فوق را اصولی کاربردشناختی بر می‌شمرد و سه اصلی که در ادامه معرفی میشوند را اصولی ساختاری میداند که در سطح ساخت کلمه عمل میکنند:

اصل شفافیت: این اصل در مورد کلماتی که مشتق یا مرکب هستند صادق است که ساختاری درونی دارند یعنی از بیش از یک تکواژ ساخته شده‌اند. طبق این اصل گویشوران سعی میکنند کلمات جدیدی را ابداع و درک کنند که از نظر معنایی شفاف هستند یعنی کلماتی که ریشه‌ها و وندهای شناخته‌شده دارند (همان ۱۱۶).

اصل سادگی: کلارک این اصل را این‌گونه تعریف میکند:

«برای گویشوران ساخت و درک واژه‌هایی که از نظر ساختاری ساده‌تر هستند راحت‌تر است. واژه ساده‌تر واژه‌ای است که ریشه آن برای ساخت کلمه مورد نظر کمتر تغییر کرده باشد» (کلارک، ۱۹۹۸: ۱۲۰).

سادگی ساختاری بستگی به رده‌شناسی زبان دارد. چیزی که در یک زبان ساده محسوب میشود ممکن است در زبانی دیگر ساده نباشد؛ برای مثال در برخی زبانها مثل چینی کودک یاد میگیرد که شکل کلمه تغییر نمیکند و در زبانهایی از جمله زبانهای هندواروپایی کودک یاد میگیرد که عناصری ممکن است قبل یا بعد از کلمه قرار گیرد (پیشوند و پسوند) (همان ۱۲۱).

شفافیت و سادگی اغلب (نه همیشه) با هم کار میکنند. اگر کلمه‌ای غیربسیط به لحاظ ساختاری ساده و شفاف باشد بچه‌ها باید بتوانند آن را خیلی زود تولید کنند. اگر کلمه‌ای شفاف نباشد اما ساده باشد یا ساده باشد اما شفاف نباشد تولید آن برای بچه‌ها سخت‌تر خواهد بود. به‌طور کلی سادگی در زبانهایی که صورتهای ساده در ساخت کلمات آن به کار می‌رود اولویت دارد. این صورتهای خیلی زود برای بچه‌ها قابل دسترس خواهند بود، مثلاً ساخت فعل از اسم. در زبانهای دیگر که وندا فزایی رایج‌تر است استفاده از اصل شفافیت بر سادگی ترجیح داده میشود. اگر در زبانی ریشه‌ها برای ساخت کلمات جدید استفاده نشوند

کودکان در ابتدا نمیتوانند خیلی ابداعات واژگانی داشته باشند. آنها باید تا فراگیری وندها صبر کنند. بنابراین ابداع واژه در این زبانها کمی بعد از ابداع واژه در زبانهای اتفاق می افتد که از صورتهای ساده استفاده میکنند. پس از فراگیری معانی ریشه‌ها، وندها و الگوهای ترکیبی توسط کودک، اصل شفافیت بر ابداع واژه محدودیتی اعمال نمیکند و کودک میتواند از سایر امکانات ساخت واژه استفاده کند.

اصل زیایی: اصل زیایی بدین معناست که وقتی صورتی زبانی زیاد شنیده میشود آسانتر یاد گرفته میشود و در ساخت واژه جدید نیز در دسترستر خواهد بود و احتمال استفاده از آن بیشتر میشود.

کلارک معتقد است سه اصل شفافیت، سادگی و زیایی میتواند پیش‌بینی کند کودک در هر مرحله از رشد زبانش از چه فرآیندهایی برای ساخت واژه‌های جدید خود استفاده خواهد کرد. شفافیت پیش‌بینی میکند اول اینکه کودک اسمهایی را از عناصر شناخته‌شده بسازد و دوم اینکه کودک قبل از ترکیب ریشه‌ها با وندها از اشتقاق صفر استفاده کند. این به این دلیل است که آنها باید معانی وندها را قبل از استفاده یاد بگیرند. سادگی پیش‌بینی میکند که کودک حداقل تغییرات ممکن را در ساخت کلمه جدید به کار گیرد چون کمترین میزان تغییر همان تغییر نکردن است. بنابراین آنها اول باید از اشتقاق صفر استفاده کنند. به همین قیاس کودک ابتدا از وندهایی استفاده میکند که سبب تغییر در ریشه نمیشوند و سپس از وندهایی استفاده میکند که سبب تغییر در ریشه میشوند. در بهره‌گیری از فرآیند ترکیب، کودک باید ابتدا ریشه‌ها را و سپس پایه‌های دارای وندها را با هم ترکیب کند. زیایی دو چیز را پیش‌بینی میکند: اول اینکه بسامد بالاتر درون داد منجر میشود کودک، اول از صورتهای پربسامد استفاده کند سپس از صورتهای کم‌بسامد؛ دوم اینکه وقتی کودک چند گزینه شفاف داشته باشد همان صورتی که بزرگسالان استفاده میکنند را استفاده کند که همان صورت زیاتر است (همان، ۱۴۵).

کلارک نوآوریهای واژگانی کودکی را از یک سال و هشت ماهگی تا پنج سال و یازده ماهگی بررسی کرد و متوجه شد قبل از دو سالگی همه ابداعات واژگانی کودک حاصل فرآیند ترکیب بود، آن هم ترکیب دو اسم. در فاصله دو سالگی تا چهار سال و یازده ماهگی ترکیب هفتاد درصد ابداعات را شامل می‌شد. در فاصله دو تا چهار سالگی

بسیست درصد ابداعات اشتقاقی بودند و در سالهای بعدی این میزان به سی و چهار درصد افزایش یافت. اشتقاق صفر هم زیر دو سال دیده نشد؛ از دو تا سه سالگی میزان آن سه درصد، از سه تا پنج سالگی پنج درصد و از پنج تا شش سالگی چهار درصد بود (همان ۱۴۶ و ۱۴۷).

کلارک پس از بررسی ابداعات واژگانی کودکانی دیگر با زبانهای مادری غیر از انگلیسی (از جمله عبری از خانواده سامی، مجاری از خانواده فین و اوگریانی، روسی، لهستانی، اسلاویک و ...) نتیجه می‌گیرد:

«کودکانی که زبان‌های ژرمنی را فرا میگیرند خیلی زود از فرآیند ترکیب برای ساخت واژه‌های ابداعی خود استفاده میکنند. این ترکیبها شامل ترکیب اسم-اسم است. سپس آنها از ریشه‌های فعلی در ترکیبهایشان استفاده میکنند... داده‌های ما نشان میدهد کودکان به زایایی در گفتار بزرگسالان حساسند. آنها اول آن فرآیندهای واژه‌سازی را که بزرگسالان بیشتر استفاده میکنند فرا میگیرند.» (کلارک، ۱۹۹۸: ۱۵۹).

«در زبانهایی که اشتقاق زیاتر است کودک ابتدا اشتقاق را فرا میگیرد و از آن در ساخت کلمات جدید خود بهره میجوید و در زبانهایی که ترکیب زیاتر است ابتدا از ترکیب استفاده میکند. بنابراین اصول اکتساب ساخت واژه بستگی به رده‌شناسی زبان کودک دارد.» (همان ۱۷۶).

۳- داده‌ها

داده‌های مورد بررسی در این مقاله واژه‌های جدید و خودساخته کودک نگارنده است. این داده‌ها واژه‌های جدیدی است که این کودک دختر از سن دو سال و شش ماهگی تا پنج سالگی ساخته است. جدید بودن این واژه‌ها به این معناست که والدین هیچ‌گاه چنین کلماتی را به کار نبرده بودند، همچنین کودک این واژه‌ها را از افراد یا منابع دیگری همچون رادیو و تلویزیون نیز نشنیده بود. زمانی که کودک واژه جدیدی میساخت نگارنده آن واژه را به همراه بافتی که واژه در آن به کار رفته بود در دفتری ثبت میکرد. کودک از چهارده ماهگی شروع به ساخت این واژه‌ها کرد و اولین واژه‌ای که ساخت «مویی» بود، به معنای هر آنچه که به «مو» مربوط میشود و آن را به جای بُرس، شانه، تل، گیره و کِش سر

به کار میبرد. اما واژه‌های او برای مطالعه حاضر از سن دو سال و شش ماهگی ثبت شد. بنابراین تعداد قابل توجهی از نوآوریهای او در ساخت واژه ثبت نشد و از بین رفت. پس از سن دو سال و شش ماهگی هم موارد بسیار زیاد دیگری وجود داشت که کودک واژه‌های جدیدی را ساخت اما نگارنده شرایط ثبت آنها را نداشت و پس از مدتی به فراموشی سپرده شد. تنها واژه‌ای که در این مطالعه استفاده شده و مربوط به سن دو سال و شش ماهگی تا پنج سالگی نیست همان «مویی» است. این واژه اهمیت خاصی دارد زیرا نشان می‌دهد کودک اشتقاق را زودتر از ترکیب فرا گرفته است، به همین دلیل در این مطالعه گنجانده شد.

این کودک از سن دوازده تا بیست و چهار ماهگی در آمریکا زندگی کرد و در این مدت زبان انگلیسی را تا حدی که بتواند احوال‌پرسی کند فرا گرفت. او می‌توانست تا شماره پانزده به انگلیسی بشمرد. او همچنین کلمات ساده‌ای همچون رنگها را یاد گرفت اما پس از بازگشت به ایران با او به انگلیسی صحبت نشد و تحت هیچ آموزش زبان انگلیسی قرار نگرفت و پس از مدتی اطلاعات مربوط به زبان انگلیسی را فراموش کرد. دو عبارت ساخته شده او هم در بررسی گنجانده نشد زیرا فراتر از سطح کلمه بود و به شیء یا شخصی دلالت نمی‌کرد بلکه نقش شبه‌جمله‌ای داشت. این دو عبارت «علیک شب بخیر» و «شب نه بخیر» بود. اولی را کودک به عنوان پاسخ «شب بخیر» استفاده می‌کرد در زمانی که موافق خوابیدن بود و دومی را زمانی که موافق خوابیدن نبود.

۴- تحلیل داده‌ها

در این بخش واژه‌های ساخته شده از نظر ساختاری و فرآیندهای صرفی به کار رفته در ساخت آنها بررسی میشوند.

فرآیندهای به کار رفته در نوآوریهای کودک

در جدولهای زیر واژه‌های کودک، تقطیع تکواژی آنها^{۱۱}، معنا یا بافت آنها (که به خواننده کمک میکند منظور کودک را درک کند)، سن کودک در زمان ساخت کلمه یا اصطلاح و مقوله دستوری کلمات ساخته شده آورده میشوند.

۱۱. در تقطیع تکواژها در این پژوهش واج میانجی، تکواژ میانجی محسوب شده است.

جدول (۱) - کلماتی که با فرآیند اشتقاق ساخته شده‌اند

ردیف	سن	واژه ابداعی	مقوله دستوری	شرح
۱	۱ سال و ۲ ماه	mu - y - i	اسم	قبلاً توضیح داده شد
۲	۲ سال و ۶ ماه	dom - i	صفت	بستنی دمی (به جای قیفی)
۳	۲ سال و ۶ ماه	čub - i	صفت	بستنی چوبی (به جای کیم)
۴	۲ سال و ۶ ماه	zarf - i	صفت	بستنی ظرفی (به جای لیتری)
۵	۲ سال و ۸ ماه	?angoštar - i	صفت	زیتون انگشتری (بدون هسته)
۶	۴ سال و ۱ ماه	maqz - i	صفت	شکلات مغزی (مغزدار)
۷	۴ سال و ۲ ماه	nabât - i	صفت	دل نباتی (دل دردی که با نبات خوب میشود)
۸	۴ سال و ۴ ماه	bi - nahâyat - om	صفت	طبقه بی‌نهایتیم هم داریم؟
۹	۴ سال و ۷ ماه	lus - âne	قید	چقدر لوسانه حرف زدی؟
۱۰	۴ سال و ۷ ماه	bi - na - jo - y - id - e	قید	این قرصها رُبی‌نجوییده باید بخوریم؟
۱۱	۴ سال و ۸ ماه	daryâ - y - i	صفت	آسمان دریایی (آسمان آبی)
۱۲	۴ سال و ۱۰ ماه	jiq - i	صفت	سرسره چیغی (سرسره با شیب زیاد)
۱۳	۵ سال	suz - ande	صفت	کسی که در بازی سوخته

جدول (۲) - کلماتی که با فرآیند ترکیب ساخته شده‌اند

ردیف	سن	واژه ابداعی	مقوله دستوری	شرح
۱	۲ سال و ۶ ماه	sos - ?âb	اسم	سس مخلوط با آب
۲	۲ سال و ۷ ماه	peydâ - bâzi	اسم	قایم باشک بازی
۳	۲ سال و ۸ ماه	?âsemân - sor	اسم	آسانسور

ردیف	سن	واژه ابداعی	مقوله دستوری	شرح
۴	۲ سال و ۱۱ ماه	ʔâb – xune	اسم	آب سردکن
۵	۳ سال و دو ماه	xaste – šo	صفت	کسی که زود خسته میشود
۶	۳ سال و ۴ ماه	safar – ro	صفت	مسافر
۷	۳ سال و ۴ ماه	da:vâ – kon	صفت	فردی که چند بار کودک را دعوا کرده است
۸	۳ سال و ۴ ماه	harf – zan	صفت	فردی که زیاد حرف میزند
۹	۳ سال و ۶ ماه	ʔâš – paz – dâr	صفت	تو مهمان‌داری، من آشپزدار
۱۰	۳ سال و ۶ ماه	tur – gir	اسم	توری که ستاره‌ها را صید میکند
۱۱	۳ سال و ۶ ماه	suz – gir	اسم	وسيله‌ای که داغی غذا را میگیرد
۱۲	۳ سال و ۱۰ ماه	ʔa:m – kon	صفت	کسی که ظرفهای شام را جمع میکند
۱۳	۳ سال و ۱۱ ماه	ʔaz – ʔavval – e – ʔârezu	قید	خیلی آرزو داشتن
۱۴	۴ سال	dah – šambe	قید	کسی پس میریم سرزمین عجایب؟ ده‌شنبه؟
۱۵	۴ سال	farâmuš – kon	صفت	کسی که زیاد فراموش میکند
۱۶	۴ سال و یک ماه	giʃ – šo	صفت	کسی که حواسش پرت
۱۷	۴ سال و ۲ ماه	tu – satl – rixt	اسم	خاک‌انداز
۱۸	۴ سال و ۹ ماه	vasâyel – gir	صفت	از دست این پسرهای وسایل‌گیر
۱۹	۴ سال و ۱۰ ماه	badan – ʔandâz	صفت	این دست‌انداز نیست، بدن‌اندازه
۲۰	۴ سال و ۱۱ ماه	ʔalân – sâl	قید	امسال

ردیف	سن	واژه ابداعی	مقوله دستوری	شرح
۲۱	۵ سال	mâsâž – gar	صفت	کسی که ماساژ میدهد
۲۲	۵ سال	mâsâž – gir	صفت	کسی که ماساژ میگیرد
۲۳	۵ سال	pâ – garm – kon	صفت	دستکشی که کودک به پا کرده

جدول (۳) - کلمه‌ای که با استفاده از فرآیند تبدیل ساخته شد:

سن	مقوله دستوری	واژه ابداعی
۵ سالگی	صفت	na – 'dun ^{۱۲}

بافتی که این واژه در آن به کار رفته است:

- مادر: دخترم! لباسهات تو آشپزخونه نریزیها!
 - کودک: میدونم. فکر کردی من ندونم؟
- درواقع او یک فعل را تبدیل به صفت کرده است.

جدول (۴) - کلماتی که با اشتقاق و ترکیب ساخته شده‌اند

ردیف	سن	واژه ابداعی	مقوله دستوری	شرح
۱	۲ سال و ۷ ماه	?end – e – lâv – e – bulu – torš	اسم	قبلاً شرح داده شد
۲	۴ سال	dân – eš – gâh – i	صفت	دکتری که پزشک نیست
۳	۴ سال و ۲ ماه	dur – bin – i	صفت	دستمال دوربینی (همان دستمال لوله‌ای)
۴	۴ سال و ۳ ماه	qahve – y – i – y – e – kam – rang – por – rang	اسم	ارده شیر

جدول (۴): کلماتی که با اشتقاق و ترکیب ساخته شده‌اند- ادامه

ردیف	سن	واژه ابداعی	مقوله دستوری	شرح
۱	۴ سال و ۳ ماه	xand – e – ?âlu	صفت	خنده‌دار
۲	۴ سال و ۴ ماه	koš – t – an – yâd – dân	صفت	معلمی که کشتن را یاد می‌دهد
۳	۴ سال و ۱۱ ماه	?âzâr – mehr – abun – i	اسم	نوعی بازی

جدول (۵)- کلماتی که بسط معنایی یافته‌اند

ردیف	سن	واژه ابداعی	مقوله دستوری	شرح
۱	۲ سال و ۶ ماه	rân – ande – g – i	اسم	به جای فرمان ماشین
۲	۳ سال و ۸ ماه	mâh	اسم	به جای بادام هندی
۳	۳ سال و ۱۰ ماه	tond	صفت	سوزنش کند نیست، تنده.
۴	۴ سال	velarm	صفت	فلانی نه پیره نه جوونه، ولر مه.
۵	۴ سال	koloft	صفت	خوابت کلفت باشه با هر صدایی بیدار نمیشی.
۶	۴ سال و ۱ ماه	kesel	صفت	پام کسل شده (به جای خواب رفته)
۷	۴ سال و ۶ ماه	tiz	صفت	آمپولش تیز بود.

جدول (۶)- کلماتی که براساس قیاس ساخته شده‌اند

ردیف	سن	واژه ابداعی	مقوله دستوری	شرح
۱	۳ سال و ۷ ماه	guš – âyi	صفت	شنوایی
۲	۳ سال و ۷ ماه	dahan – âyi	صفت	چشایی
۳	۳ سال و ۷ ماه	češ – âyi	صفت	بینایی
۴	۴ سال و ۲ ماه	ĵolo – ru	صفت	بین جورابم پشت و روست یا جلورو؟

بابا سریع السه است چون تند راه می‌رود	صفت	sari – y – o – sse	۴ سال و ۳ ماه	۵
مامان سریع‌الدوست که یوآش راه می‌رود	صفت	sari – y – o – ddo	۴ سال و ۳ ماه	۶
کسی که گل سر را تعمیر میکند همانطور که کفاش کفش را تعمیر میکند	صفت	gol – e – sar – fãš	۴ سال و ۵ ماه	۷
این شیطونک نیست، آرومونک است	اسم	ʔârum – unak	۵ سال	۸

از بین واژه‌های گردآوری شده در جداول (۱) تا (۶) پنج مورد از کلمات فوق قید، چهارده مورد اسم و چهل مورد از آنها صفت هستند. یک واژه با استفاده از فرآیند اشتقاق صفر، هشت مورد با استفاده از قیاس و هفت واژه بر مبنای بسط معنایی ساخته شده‌اند؛ یعنی در زبان بوده و فقط کودک آنها را در بافت خاص و غیرمتعارفی به کار برده است. هم نمونه‌ای از اتباع است و با فرآیند تکرار ناقص ساخته شده و کودک آن را به جای شلخته پلخته (šelaxte – pelaxte) از سن سه سالگی به بعد به کار می‌برد. سیزده مورد از واژه‌های بررسی شده با فرآیند اشتقاق ساخته شده‌اند که نه مورد از نوواژه‌ها اشتقاق با پسوند «-ی» هستند و این حاکی از زایایی این نند است. خصوصاً آنکه اولین واژه ابداعی کودک یعنی «مویی» نیز با این نند ساخته شده است.

جدول (۷) - بسامد وندهای استفاده شده در کلمات مشتق

تعداد کلمات مشتق	۱۳
با پیشوند «-ی» و «نَ» و پسوند «-ید» و «ب»	۱
با پسوند «-ی»	۹
با پسوند «-انه»	۱
با پسوند «-نده»	۱
با پیشوند «-بی» و پسوند «-م»	۱

شقایقی (۱۳۸۶) نیز در صفحه ۲۹ کتاب صرف خود در زیر عنوان «زایایی چیست» چنین

میگوید:

«چنانچه بتوان فرآیندی را برای تغییرات آوایی یا ساختن واژه‌ها یا جمله‌های جدید به کار برد، آن فرآیند را زایا تلقی میکنند؛ برای مثال پسوند «-ی» صفت‌ساز در زبان فارسی از قدرت زایایی بالایی برخوردار است و به هر اسم جدیدی متصل میشود و صفت میسازد؛ مانند «یارانه‌ای، کاربردی، رایانه‌ای، زنشی، گشتاری و نگاره‌ای». حتی در صورتی که گویشور با معنای اسمهای «گشتار، رایانه، کاربرد، زنش، یارانه، و نگاره» آشنا نباشد بدرستی حدس میزند که صفت ساخته شده با پسوند «-ی» نسبت یا وابستگی به اسم موردنظر را می‌رساند.»

درواقع «مویی» هم از اضافه کردن پسوند «-ی» به اسم ساخته شده و به معنای این است: «هر آنچه که به مو مربوط میشود»، اما چون به جای تمام ابزارهای مربوط به مو (برس، شانه، تل، گیره و کش) به کار می‌رفت نگارنده آن را اسم تلقی کرده است و مشخص است که کودک این واژه را بسط معنایی نیز داده است.

بیست و سه مورد از واژه‌های مورد مطالعه با فرآیند ترکیب ساخته شدند و هفت واژه مشتق - مرکب بودند. در واژه‌های ثبت شده این کودک موردی از ساخت فعل دیده نشد. شاید در واژه‌های ثبت نشده او فعل نیز بوده اما نگارنده آن را ثبت نکرده است یا شاید پس از پنج سالگی ساختن فعل را شروع کند.

بررسی ساختاری کلمات مرکب و مشتق - مرکب

جدول (۸) - ساختار کلمات مرکب

آشپزدار	اسم + بن فعل + بن فعل	انواع ترکیب
الان سال	قید + اسم	
سوزگیر	بن فعل + بن فعل	
تورگیر، بدن‌انداز، آسمان سُر، فراموش‌کن، جمع‌کن، سفررو، دعواکن، حرف‌زن، خنده‌آلو، وسایل‌گیر، ماسازگر، ماسازگیر	اسم + بن فعل	
پاگرم‌کن	اسم + اسم + بن فعل	
ده‌شنبه	عدد + اسم	
تو سطل ریخت (به جای خاک‌انداز)	حرف اضافه + اسم + بن فعل	
پیدا بازی	صفت + اسم	

اسم + اسم	سس - آب، آبخونه
صفت + بن فعل	خسته شو، گیج شو

جدول (۹) - ساختار کلمات مشتق - مرکب

صفت + بن فعل + پسوند	دوربینی (دستمال لوله‌ای که از میان آن میتوان دید)	انواع مشتق - مرکب
بن فعل + پسوند + پسوند + پسوند	دانشگاهی (دکتری که پزشک نیست)	
اسم + واژه بست + اسم + اسم + واژه بست + اسم + صفت	اِنْدِ لَآوِ بُلُو تُرَش	
اسم + پسوند + واژه بست + صفت + اسم + صفت + اسم	قهوه‌ای کمرنگ - پُررنگ (به جای ارده شیره)	
بن فعل + پسوند + بن فعلی که مختصر شده (آلود بوده آلو شده)	خنده آلو (به جای خنده‌دار)	
بن فعل + وند تصریفی + وند مصدرساز + اسم + بن فعل	معلم کشتن یاددان (معلمی که کشتن یاد میدهد)	
اسم + اسم + پسوند	آزار - مهربونی (اسم بازی که کودک، کودک دیگری را بغل میکرد و میبوسید، بعد هُلُش میداد)	

نه مورد از کلمات ساخته شده به وسیله فرآیند اشتقاق و با پسوند «-ی» ساخته شده‌اند. چهار مورد از کلمات مشتق - مرکب هم در ساخت خود «-ی» دارند. بنابراین «-ی» زیاترین وند مورد استفاده توسط این کودک در ساخت کلمات مشتق و مشتق - مرکب است. از بیست و سه کلمه مرکب، دوازده مورد با فرآیند اسم + بن فعل ساخته شده‌اند. در شش کلمه دیگر نیز به هر حال بن فعل به کار رفته است. از هفت کلمه مشتق - مرکب هم چهار مورد با بن فعل ساخته شده‌اند.

جدول (۱۰) - بسامد فرآیندهای ساخت واژه

تعداد	فرآیند ساخت واژه
۲۳	ترکیب
۱۳	اشتقاق
۷	ترکیب و اشتقاق
۱	اشتقاق صفر(تبدیل)
۱	تکرار
۸	قیاس
۷	بسط معنایی

۵- نتیجه

بررسیهای فوق نشان داد زیاترین فرآیند در ساخت نوواژه‌های این کودک ترکیب است. پربسامدترین نوع ترکیب نیز «اسم + بن فعل» است اما اولین فرآیندی که کودک در چهارده ماهگی برای ساخت نوواژه از آن بهره برد اشتقاق بود و این برخلاف پیش‌بینی اصل زایایی کلارک است که میگوید کودک ابتدا زیاترین فرآیندهای ساخت واژه را یاد میگیرد. او میگوید اگر در زبانی با توجه به رده آن زبان ترکیب زیاتر است کودک ابتدا ترکیب را یاد میگیرد و اگر اشتقاق زیاتر است کودک ابتدا اشتقاق را یاد میگیرد و از آن در ساخت واژه جدید خود استفاده میکند. کلارک در مورد فراگیری زبانهای خانواده ژرمنی نیز میگوید: «کودک زیر دو سال فقط از ترکیب استفاده می‌کند.» اما پژوهش حاضر نشان میدهد کودک فارسی زبان زیر دو سال از اشتقاق استفاده کرده است. کلارک گفته است شفافیت پیش‌بینی میکند کودک قبل از ترکیب ریشه‌ها با وندها از اشتقاق صفر بهره ببرد اما داده‌های پژوهش حاضر نشان داد کودک این فرایند واژه‌سازی را فقط در یک مورد آن هم در سن پنج سالگی استفاده کرده است و اولین نوواژه او نیز ترکیب یک ریشه با یک وند (اشتقاق) بود.

منابع

شقایق، ویدا (۱۳۸۶). صرف. تهران: انتشارات سمت.

- Becker, J.A. (1994). Sneak – shoes, sworders and nose – beards: A case study of lexical innovation. *First Language* 14: 195- 211.
- Clark, E.V. (1980). Lexical innovations: How children learn to creat new words. *Papers and Reports on Child Language Development* 18: 1- 25.
- (1998). *The lexicon in acquisition*. Cambridge:Cambridge University Press.
- Clark, E.V. and B.F. Hecht. (1982). Learning to coin agent and instrument nouns. *Cognition* 12:1-24.